

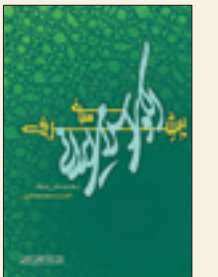
پیشخوان

«مبانی الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت از منظر امام خامنه‌ای»

به بازار کتاب آمد

در مسیر جایگاه بایسته انسان

■ **شاهد توحیدی**



«مبانی الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت از منظر امام خامنه‌ای» در زمره پژوهش‌هایی است که اخیراً به بازار کتاب راه یافته است. این اثر توسط سید محمد جواد قربی تألیف شده و

مرکز اسناد انقلاب اسلامی به انتشار آن همت گماشته است. تارنمای ناشر در یادداشتی در باب مختصات اثر اثر آورده است: «کتاب مبانی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت از منظر امام خامنه‌ای، برای آشنایی و شناخت الگوهای پیشرفت به واسطه تدابیر متناسب و‌اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی از سوی این مؤسسه روانه بازار نشر شد. در بخشی از مقدمه کتاب می‌خوانیم: الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت که از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ارائه شده است، دارای مصادی فرائظری بوده و بر همین اساس، رویکردی اسلامی، جایگاه انسان، هستی و روش‌های معرفت‌شناسی را مشخص کرده است. در این الگو، طبیعت و جهان دارای خالق‌ی است که آفریننده است و انسان به مثابه مخلوق، مقام خلیفه‌الله دارد. بر اساس این نگرش به هستی، انسان دارای دو ساحت مادی و معنوی است که الگوی پیشرفت برای رشد هر دو جنبه مادی و معنوی تلاش می‌کند. مبانی معرفتی الگوی پیشرفت، برخلاف الگوهای رایج غربی که مبتنی بر حس و تجربه آزمایشگاهی هستند، شامل منابع اصیل معرفتی در اسلام می‌باشند. به عبارت دیگر، شهود و قلب، تجربه و حس از منابع اصیل شناخت در الگوی پیشرفت محسوب می‌شوند. با این اوصاف می‌توان نظریه فطرت – تجربه‌گروی را در الگوی پیشرفت پذیرفت… این اثر با هدف بررسی دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی



و تدابیر ایشان ازجمله تبیین و تشریح مختصات الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت، ارتباط وثیق مردم و دولت در فرآیند پیشرفت، ارتقای توانمندی علمی در جامعه، ولایت‌ماری در فرآیند پیشرفت جامعه اسلامی – ایرانی و… به شناخت و آگاهی راهکارها و مبانی الگوی پیشرفت اسلامی پرداخته است. این کتاب در پنج فصل تنظیم شده است، فصل اول تحت عنوان کلیات به تعریف، شناخت و مفاهیم اصطلاحات مربوطه اعم از توسعه و پیشرفت پرداخته است. فصل دوم و سوم به تفصیل مفهوم و مبانی الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت اختصاص یافته و آنها را به‌صورت جزئی برای خواننده تشریح می‌کند. فصل چهارم، الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت را در عرصه فکر، علم و زندگی بررسی می‌کند و سرانجام، بیان راهکارهای تحقق الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت، مبحث فصل پایانی این اثر می‌باشد. مبانی الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت از منظر امام خامنه‌ای به قلم سیدمحمدجواد قربی، در ۳۵۶ صفحه به قیمت ۴۸هزار تومان، در دسترس محققان، پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار گرفته است…»

این سایت در بخشی دیگر، درباره موضوع این پژوهش اشتراتی به ترتیب یی آمده دارد: «الگوی اسلامی – ایرانی، پیشرفت دارای مصادی فرائظری بوده و براساس رویکردی اسلامی جایگاه انسان، هستنی و روش‌های معرفت‌شناسی را مشخص کرده است. در این الگو، طبیعت و جهان دارای خالق‌ی است که آفریننده است و انسان به‌مثابه مخلوق، مقام خلیفه‌اللهی دارد. براساس این نگرش به هستی، انسان دارای دو ساحت مادی و معنوی است که الگوی پیشرفت، برای رشد هر دو جنبه مادی و معنوی تلاش می‌کند. مبانی معرفتی الگوی پیشرفت برخلاف الگوهای رایج غربی که مبتنی بر حس و تجربه آزمایشگاهی هستند، شامل منابع اصیل معرفتی در اسلام می‌باشند. به عبارت دیگر شهود و قلب، تجربه و حس، از منابع اصیل شناخت در الگوی پیشرفت محسوب می‌شوند…»

■ **احمدرضا صدری**

روزهایی که بر ما می‌گذرد، تداعی‌گر سالروز صدور فتوای تحریم تنباکو توسط آیت‌الله‌العظمی میرزا حسن شیرازی است. این رویداد علاوه بر تمامی آثار و پیامدهای خویشش دور جدیدی از حضور عالمان دین در عرصه سیاست را کلید زد. امری که وابستگی به فرُق ضالسه و روشنفکران، از آن روز تا امروز همواره به مذهب آن بوده‌اندا مقال پی آمده درصدد است تا با استناد به یاره‌ای روایت‌ها و تحلیل‌ها، این رویداد را از درپچه مورد اشاره به یاز خواننی نشینند. امید آنکه تاریخ پژوهان معاصر و عمووم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ **«سال نحس» انگلستان در ایران**

بی‌تردید دولت انگلستان با لغو قرارداد رزی، یکی از سخت‌ترین شکست‌های خویش را در تاریخچه حضور در کشورهای گوناگون متحمل شد. علاوه بر جنبه‌های گوناگون این ناکامی اما مهم تحقیری بود که این امپراطوری تجربه کرد که با کم‌بدلی می‌نمود. در مقالی بر تارنمای مرکز اسناد انقلاب اسلامی، در این باره آمده است:

«مهم‌ترین اثر این فتوا، شکست اقتدار انگلستان در دنیا بود. انگلیس که خود را در دربار قاجار و میان رجال سیاسی صاحب نفوذ می‌دانست، در برابر یک فتوای مذهبی ناچار به عقب‌نشینی شد. این موضوع، یک شکست تاریخی برای استعمار بریتانیا محسوب می‌شود و هنوز بعد از گذشت سال‌های طولانی از آن واقعه، همچنان تعبیر سال نحس برای سیاست انگلستان در ایران بپراعه نیست. علاوه بر این انگلستان در مقابل رقیب سنتی خود روسیه نیز متحمل خفت و خواری شد. شواهد تاریخی بر آنند که زوایای الحاق ایران به مستعمرات انگلستان در این دوره، به سرعت به دست کمپانی رزی در حال تعمیر بوده‌است. کمپانی رزی در ایران دقیقاً همان مسیری را در پیش داشت که انگلیسدها در تصرف هند و ایچاد کمپانی هند شرقی و سپس حضور نظامی به بهانه حفظ امنیت این کمپانی طی کرده بود. با لغو این قرارداد به پایمردی مراجع، زوایای کمپانی و به تبع آن دولت بریتانیا برپاد رفتا علاوه بر این انگلیس طبعاً با لغو قرارداد رزی، زوایای مادی قابل ملاحظه‌ای متحمل شد و سود احتمالی را نیز از دست داد. عوامل کمپانی که به طمع سود کلان به محض انعقاد قرارداد به سرمایه‌گذاری در ایران پرداخته بودند، موفق نشدند کار را به سرانجام برسانند. به نقل از شیخ حسن کر بلائی: نخست نقطه‌ای خیلی عمده و خیلی مرغوبی را در حوالی آرک دولت که معروف به باغ یلیخانی است، به معادل ۴۵ هزار تومان عین اشرفی خریده و به معادل ۱۵۰ هزار تومان عمارت عالی پوش متنازی بنا کردند. دوردادور عمارت را به طور خیلی مستحکم بسیار بلندی که مشرف و مسلط بر آرگ دولت و سایر نقاط شهر است، باغ و آجر در قطر قریب چهار ذرع ساخته، به طوری که این عمارت مانند کشتی ذره‌پوش توپ بر دوردادور آن تواند گردش نمود… یا به اذعان شیخ ذبیح‌الله محلاتی: عده زیادی از فرنگیان، از لندن وارد تهران شدند و از آنجا به شهرهای مختلف ایران تقسیم گردیدند. وارد شوندگان به هر شهر جهت پیشرفت کار خود، زمین‌ها خریدند، ساختمان‌های بسیار عالی بنا کردند… اما بناها امتیاز نتون و تنباکو، انگلیس که این همه سرمایه‌گذاری را ناپود شده می‌دید، از دولت ایران درخواست فرامات کرد. علاوه بر این رشوه‌های پرداخت شده به درباریان،

عاریخ

کفت وگو ۸۸۹۹۸۳۷



آیت‌الله‌عظمی میرزاحسن شیرازی، آغازگر پیشقراولی روحانیت در تاریخ معاصر ایران

روزی که مرجع اعلاء بر مظلومیت مبلغان دین گریست

کارچاق‌کن‌ها و دلال‌های حاشیه‌ای برای گرفتن امتیاز نیز بی‌اثر شد و آنان قادر به عودت پول‌های کمپانی نبودند. با لغو قرارداد رزی، سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی انگلیس در حوزه اجتماعی و فرهنگی ایران نیز با شکست مواجه شد. آنها قصد داشتند با ایجاد تغییر در طبقات و قشرهای مختلف اجتماعی در ایران، زمینه مساعدی برای تغییر اجتماع ایران فراهم کنند…»

■ **اگر دولت از عهده بر نمی‌آید، من به خواست خدا ن را بر هم می‌زنم**

میرزای شیرازی اما فتوای تحریم تنباکو را پس از مشاوره فراوان و دقت بسیار صادر کرد. علاوه بر این او در پاسخ به محمود خان مشیرالوزاره کارپرداز ایران در بغداد، از حقوق به بیان نکاتی پرداخت که نشان می‌داد رویداد مهمی در پیش است. در مقالی بر تارنمای مؤسسه مطالعات

«ناصرالدین شاه و امین السلطان در جواب به اعتراض علما و مردم، نه تنها پاسخ مثبتی ندادند، بلکه آنها را بی‌اطلاع و نادان بر شمرده و عقد قرارداد تنباکو را برای منافع ایران لازم دانستند. از این رو علما با ارسال پیام‌های مملکت داشته باشند و کدام دست قوی بتواند این خلط و مزج را بر هم زده و هر یک از سیاسیون و روحانیون را به ادای وظیفه خود وادارد…»

تعدادی به میرزای شیرازی در سامرا، به او متوسل شدند. میرزای شیرازی از همان ابتدای اعطای امتیاز تنباکو به استعمار، به واسطه نامه‌ها و اخباری که از ایران، علما و دامادش سیدعلی اکبری قلی دریافت می‌کرد، در جریان امر قرار داشت. سیدجمال‌الدین اسدآبادی نیز با ارسال نامه‌ای به میرزای شیرازی، با یادآوری مظالم شاه و زیر پای گذاشتن خویش توده مردم خواستار دفاع علما از حقوق عامه شد. هم‌زمان با شروع ناآرامی‌ها در تبریز در اول دی‌چیه سال ۱۳۰۸ ق، میرزای شیرازی با ارسال تلگراف مفصلی به شاه، ضمن اشاره به ضررها و فسادهای مندخاله بیگانگان در امور ایران، به اعطای امتیاز تنباکو اشاره کرد و آن را منافی صریح قرآن، دستورات الهی و استقلال ایران خواند. شاه برای توجیه اقدامات دولت و ذکر دلایل اعطای امتیاز و مشکلات ناشی از لغو آن میرزا محمود خان مشیرالوزاره کارپرداز ایران در بغداد، از نردم آید، عهده جواب بیرون نتوان آید، ملت از جواب حسابی عاجز نیست… و اگر دولت از عهده بر نمی‌آید، من به خواست خدا ن را بر هم می‌زنم… سرانجام میرزای شیرازی پس از مشاهده ناتوانی دولت شاه بر لغو قرارداد، فتوای تاریخی خود را صادر کرد. این حکم، پایانی بر لوح خود کامگی‌ها و وطن‌فروشی‌های ناصرالدین شاه و دربار‌یانش و مشت محکمی بر دهان استکبار و استعمارگر خارجی و دست نشاندهگان داخلی بود. بس‌الله‌رحمن‌الرحیم، مجتهد

استعمال تنباکو و توتون یا نحو کان، در حکم محاربه با امام زمان (ع) است. حرره الاقل محمدحسن الحسینی. باافلاصله پس از صدور فتوا، مأموران حکومت وظیفه یافتند از انتشار این حکم و آگاهی مردم نسبت به آن جلوگیری کنند، با این حال در همان نیمه روز اول حکم به دست میرزا آشتیانی رسیده بود، حدود صد هزار نسخه از حکم نوشته و در سراسر کشور پخش شده بود. صدور این فتوا، مردم از همه اصناف مبارزه سیاسی علیه

قرارداد استعماری امتیاز تنباکو را یک وظیفه شرعی و تکلیفی الهی دانستند و قلیان‌ها را شکسته و توتون و تنباکو را به آتش کشیدند. در این بین حتی اندرونیان ترجمانی دیگر از جایگاه ترجمانی شیعه در جامعه بود. چنانچه در تارنمای مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی می‌خوانیم:

«چراغ عمر میرزای شیرازی ۸۲سال بر فروغ بود تا تیرگی‌ها را بر طرف سازد. شب بیست و چهارم شعبان ۱۳۱۲ ق، شب خاموشی یکی دیگر از ستارگان آسمان فقاقت بود تا دل‌های عاشق را نادانر کند و سیلاب اشک‌ها را در سراسر جهان تشنه جاری سازد. میرزای بزرگ بر اثر بیماری سل در فانی را وداع گفت و جان به جان آفرین تسلیم کرد. بدن مطهرش بر دست‌های سیل عاشقان سامرا تشییع و پس از گذشتن از بغداد در کر بلا طواف داده شد و در کنار حرم امیرالمؤمنین (ع) در آخرین شب ماه شعبان آرام گرفت. مجالس فاتحه و عزا در تمام شهرها بر گزار گردید و در ایام فاتحه، همه بازارها تعطیل بود. این عزاداری‌ها نزدیک به یک سال، در تمام شهرهای اسلامی ادامه داشت.»

■ **ناخشنودی وابستگی به فریق ضالّه و روشنفکران از میراث میرزا**

همانگونه که پیشتر اشارت رفت، میرزای شیرازی



منقول است میرزای شیرازی پس از صدور فتوای تحریم تنباکو و آثار گسترده آن در ایران، روزی به شدت گریست! او در بیان علت این تأثر اظهار داشت: دولت انگلستان از امروز به قدرت مرجعیت و روحانیت شیعه پی برد و از فردا به توطئه علیه آن خواهد پرداخت…

شاگردان مکتب میرزا در دوران مشروطیت و نیز مقطع مواجهه با تحمیل رضاخان به ایران، نقش مهمی در سیاست این دیار ایفا کردند. از سوی دیگر دولت انگلستان که تازه این نفوذ و تأثیر را دیده بود، روشنفکران وابسته را به مصاف متولیان دین فرستاد!

کمال تمکین و انقیاد همگی بر سر این نقطه متفق و مجتمع شدند که تا عصر جمعه در تمامی ایران از هیچ نقطه و محلی دود چیق و قلیان بلند نمی‌شد، حتی در حرم‌های پادشاهی، ادارات دولتی، سرای دیوانیان، قهوه‌خانه‌ها و سربازخانه‌ها نیز بالمره دود دخانیه برداشته شد… به جایی رسید که یهود و نصاری نیز به متابعت از اسلام، دخانیه را در ظاهر متارک نمودند… در پی همراهی مردم با علما، در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۲۰، با عقب‌نشینی دربار قاجار، امتیاز استعماری توتون و تنباکو لغو شد. ناصرالدین‌شاه

که از تأثیر فرمان میرزای شیرازی به وحشت افتاده بود دستخطی بدین شرح صادر کرد: جناب امین السلطان، امتیازات داخله که چند روز قبل موقوف شده بود، این روزها که امتیاز خارج را هم موقوف فرمودیم و کلیه این عمل به طرز سابق شد. حالا به تمام علما و حکام و مردم اطلاع بدهید که مطمئن باشند و به تمام رعایا حالی نمایند…»

■ **صبوری و تدبیر میرزا در ماجرای مرگ فرزند**

منقول است میرزا پس از صدور فتوای تحریم تنباکو و آثار گسترده آن در ایران، روزی به شدت گریست! او در بیان علت این تأثر اظهار داشت: دولت انگلستان از امروز به قدرت مرجعیت و روحانیت شیعه پی برد و از فردا به توطئه علیه آن خواهد پرداخت… مرجع اعلا شیعه اما در برابر انالیامات و چالش‌های دولتی حیات خویش بس صبور و بردبار می‌نمود، چنانکه صف‌الدین تبرائیان، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در این باره به بازنوشت داستانی مبادرت کرده است:

«میرزای بزرگ شیرازی که حکم تحریم تنباکو را صادر کرد، دو پسر داشت؛ یکی سید محمد بود که روزی در حال عبور از کوچه‌های سامرا، فردی از اهل سنت که متعصب بود، بر اثر سوء تبلیغاتی مخصوصاً انگلیسی‌ها می‌خواستند آب از گل‌الود کرده بودند، سنگی پرتاب می‌کند و به سر ایشان می‌خورد و فوت می‌کشد. بعد از آن خیلی میرزا را تحریک کردند که اجازه بدهید انتقام بگیریم مخصوصاً انگلیسی‌ها می‌خواستند آب از گل‌الود کرده و از عثمانی زهر چشم بگیرند، اما ایشان اجازه نداد و فرمود: یک سه‌پوشی صورت گرفته و این یک مسئله داخلی جامعه اسلامی است و به جانب ریعی ندارد. این قضیه را که بعدها به فتوای تاریخی رساندند، خیلی شرمنده شد به واسطه اینکه عراق تحت قیمومت عثمانی بود و اینکه میرزا اینقدر روشن ضمیر و بصیر بود که اجازه نداد انگلیس در مقاطع ویژه این روی و در مقابل خود مجتهد شیرازی، سیدعلی است که بعد از درگذشت پدرش، خیلی مورد احترام شاگردان او بود. بسیاری از آنها برای تعلم و تقلید، به او رجوع کردند و سال‌های سال هم در سامرا اقامت این حکم و آگاهی مردم نسبت به آن کنند. میرزا علماً اقدامت کوتاهی حدود سه سال، به کلظمنی رفت و آنگاه راهی نجف شد و تا آخر عمر در آنجا زندگی کرد…»

■ **«خاموشی دریا» و موجی که آفرید**

پس از رویداد تحریم تنباکو و بازتاب‌های آن، دومین واقعه‌ای که مکانات والای میرزا را نمایان ساخت، رحلت آن بزرگ و تشییع پرشکوه وی بود. ابعاد این سسوگ عظیم، ترجمانی دیگر از جایگاه مرجعیت شیعه در جامعه بود. چنانچه در تارنمای مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی می‌خوانیم:

«چراغ عمر میرزای شیرازی ۸۲سال بر فروغ بود تا تیرگی‌ها را بر طرف سازد. شب بیست و چهارم شعبان ۱۳۱۲ ق، شب خاموشی یکی دیگر از ستارگان آسمان فقاقت بود تا دل‌های عاشق را نادانر کند و سیلاب اشک‌ها را در سراسر جهان تشنه جاری سازد. میرزای بزرگ بر اثر بیماری سل در فانی را وداع گفت و جان به جان آفرین تسلیم کرد. بدن مطهرش بر دست‌های سیل عاشقان سامرا تشییع و پس از گذشتن از بغداد در کر بلا طواف داده شد و در کنار حرم امیرالمؤمنین (ع) در آخرین شب ماه شعبان آرام گرفت. مجالس فاتحه و عزا در تمام شهرها بر گزار گردید و در ایام فاتحه، همه بازارها تعطیل بود. این عزاداری‌ها نزدیک به یک سال، در تمام شهرهای اسلامی ادامه داشت.»

■ **ناخشنودی وابستگی به فریق ضالّه و روشنفکران از میراث میرزا**

همانگونه که پیشتر اشارت رفت، میرزای شیرازی

دوشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۲ | ۲۴شوال ۱۴۴۴|

در مقطع تحریم تنباکو، دخالت مقتدرانه مرجعیت شیعه در سیاست، در دوره معاصر را کلید زد. این امر اما بر بدخواهان اسلام و تشیع، از قبیل وابستگان به فرق ضاله و روشنفکران گران آمد. چنانکه حیثی دولت‌آبادی از ازلیان معروف و فعال تاریخ معاصر، بدان اشاره دارد: «دخالّت میرزای شیرازی در امر سیاست، گرچه برای حفظ استقلال مملکت و نگهداری از تجاوزات بیگانگان سودمند بود ولیکن بذری در مزرع روحانیت پاشید که معلوم نیست چه حاصلی بربویند و چه نتیجه‌ای در آینده برای سیاست و روحانیت این مملکت داشته باشد و کدام دست قوی بتواند این خلط و مزج را بر هم زده و هر یک از سیاسیون و روحانیون را به ادای وظیفه خود وادارد…»

این تحلیل و بسیاری از این دست تحلیل‌ها، نشان می‌دهد مبدأ ورود روحانیت به صورت جدی به عرصه سیاسی در دوران معاصر، از کجاشآت می‌گیرد. گرچه قبل از آن نیز این‌س ورود در عرصه عملی به صورت پرآکنده رخ داده بود، اما نکته مورد تأکید، انسجام و تدوین مکتبی است که پس از میرزای شیرازی نیز توسط شاگردان ایشان همچون: مرحوم نائینی، شیخ فضل‌الله نوری و آخوند خراسانی پیگیری شد و مدتی بعد در قالب نهضت عدالت‌خواهی و مشروطه، خود را نشان داد. می‌توان نتیجه گرفت حرکتی که با تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی آغاز شد، سرآغاز تمام حرک‌ها و جنبش‌های اصلاحی در دوران معاصر قرار گرفت و بعدها در سوی شاگردان مکتب میرزا، با مبانی فکری مشترک در مشروطه ادامه پیدا کرد. گرچه اختلافاتی در ظاهر نظریات فقه‌ای تربیت شده در مکتب میرزا به چشم می‌خورد.

■ **شاگردان میرزا در چالش با داعیه‌داران «استبداد منور»**

شاگرا دان مکتب میرزای شیرازی در دوران مشروطیت و نیز مقطع مواجهه با تحمیل رضاخان به ایران، نقش مهمی در سیاست این دیار ایفا کردند. به واقع دولت انگلستان که تازه دررفته بود قدرتی بزرگ و گسترده در ایران وجود دارد که می‌تواند برنامه‌های او را با چالش جدی مواجه سازد، روشنفکران وابسته را به مصاف متولیان دین فرستاد! دکتر مظفر نامدار، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در این قفره می‌نویسد:

«ایران ذخایری بسیار غنی داشت که تازه در این دوران کشف شده و نفت در رأس آن بود. اروپایی‌ها چشم طمع به این ذخایر دوخته بودند. استفاده از این ذخایر با وجود روحانیت – قدرت خود را در تاریخ ایران، علی‌الخصوص در نهضت تحریم تنباکو و مشروطیت نشان داده بود- برای غربی‌ها امکان‌پذیر نبود. بنابراین تصمیم به تعویض حکومت گرفتند. اینان فهمیده بودند که قاجاریه، به‌توانایی اجرای خواسته‌های غرب نیست. غربی‌ها به دنبال این بودند یک دیکتاتوری روی کار بیاورند که مأموریت نهادینه کردن این نظم سکولار را داشته باشد. برای اینکه این دیکتاتوری را موجه جلوه دهند، اسم آن را گذاشتند دیکتاتوری منور یا دیکتاتوری ضابط‌مند! لفظ دیکتاتوری منور، شعار انقلاب فرانسه بود. به‌قول آلبی ماله مورخ انقلاب فرانسه، دیکتاتوری منور یعنی همه چیز به‌نام مردم، ولی بدون دخالت مردم! انقلاب فرانسه، هیچ‌گاه انقلاب دم‌وکراتیک نبود. غرب پرستان ایرانی که در این دوران سرسپرده نظر به دیکتاتوری منور بودند و از آن طرف در دوره مشروطه شعار آزادی سر می‌دادند، به‌راحتی این آزادی را به‌پای دیکتاتوری به نام رضاخان قربانی کردند تا به وعده‌های نظم سکولار در ایران عمل کند. به این امید که این نظم، توسط حکومت در ایران نهادینه شود…»

■ **کلام آخر**

روحانیت شیعه از دوره «حماسه فتوا»، نقشی دست اول و بس تأثیر گذار در وقایع سیاسی ایران نداشته است. از این روی و در مقابل خود مجتهد مورد تهاجم و تخریب دشمنان داخلی و خارجی قرار گرفته است. در دوران ۴۴ ساله برقراری نظام اسلامی اما حمله به روحانیت شیعه و تخریب وجهه آن از مهم‌ترین سیاست‌ها و رویکردهای سرویس‌های انگلیس، امریکا و اسرائیل قلمداد می‌شود. محمداعلی صدر شیرازی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران معتقد است:

«روحانیت، ملما و در رأس آن مراجع عظام تقلید در جامعه ایرانی، همواره از مهم‌ترین و محوری‌ترین نیروهای اجتماعی به شمار آمده‌اند. این جایگاه هر چند در سطوح بالای تقسیم‌بندی، وجهه آن از مهم‌ترین سیاست‌ها و رویکردهای سرویس‌های انگلیس، امریکا و اسرائیل قلمداد می‌شود. محمداعلی صدر شیرازی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران معتقد است:

«روحانیت، ملما و در رأس آن مراجع عظام تقلید در جامعه ایرانی، همواره از مهم‌ترین و محوری‌ترین نیروهای اجتماعی به شمار آمده‌اند. این جایگاه هر چند در سطوح بالای تقسیم‌بندی، وجهه آن از مهم‌ترین سیاست‌های تعاملی سا تقابلی حکومت‌ها با آنان بوده، اما در سطح توده‌ای و رابطه متقابل علما و مردم، کمتر تزلزل و فرودی در خود دیده است. به ویژه اعتقاد به انتساب اعظم مراجع به نیابت عام امام زمان (عج) در آموزه‌های شیعی، برای آنها قداست و احترام بیشتری در پی داشته است. چه آنکه همین جایگاه بی‌بدیل، نقطه عزیمت بسیاری از تطورات اجتماعی و سیاسی ایران است. شازش ناپذیری بخش‌های مهمی از ارتش روس، مشروطه، ملی شدن صنعت نفت، قیام ۳۰ تیر و تحولات منتهی به انقلاب شکوهمند اسلامی از جمله قیام نوزدهم دی ۵۶شده است. بدیهی است سازش ناپذیری بخش‌های مهمی از بدنه و رأس این قشر، اصلحاکماتی جدی با صاحبان قدرت را موجب شده که واکنش آنان گاه حذف یا تعدیم‌فیزیکی و گاه سنگاندازی به ساخت معنوی علما و تالش برای گسستن رشته عمیق تعلل آنان و مردم بوده است، هتاک‌هایی که هرچند به‌خاطر جایگاه ملما و سوس از واکنش مردم پرتعداد نبوده، اما همین موارد نیز سرآغاز حوادثی در قامت نقطه عطف در تاریخ مینخ بوده است…»